یادداشت روز

کاری که بانک‌ها با اقتصاد کشور و مردم می‌کنند!

با شروع کار دولت چهاردهم یکی از پرتکرارترین کلمات، وجود «ناترازی‌ها» در بخش‌های مختلف کشـور اعم از انرژی، آب، کسری ارز مورد نیاز برای اداره کشور و... بوده است. هیچ یک از این ناترازی‌ها و تلاش دولت برای کاهش آن را نمی‌توان انکار کرد. اما در کنار این ناترازی‌ها، اقتصاد ایران از چیزی رنج می‌برد که اگر اصلاح آن از سه دهه پیش صورت می‌گرفت چه‌بسا امروز گرفتار بسیاری از این ناترازی‌ها که گریبان این دولت و ایضا دولت‌های گذشته را گرفته، نمی‌شدیم. امروز اگر مشـکلات کشور را فهرست کنیم یقینا در کنار ناترازی در بخش‌های انرژی و آب، به بزرگ‌ترین مشکلی برمی‌خوریم که در حاشیه امن برخی از همین ناترازی‌ها جاخوش کرده و موریانه‌وار هم اقتصاد کشور را خراب کرده و هم اعتماد مردم به نظام را سلب می‌کند. این مشکل که اکنون تبدیل به معضل شده، چیزی نیست جز عملکرد بانک‌ها حداقل در سه دهه اخیر. نظام بانکی که یکی از عناصر کلیدی اقتصاد ملی است، امروز منشأ یکی از ریشه‌دارترین نارسایی‌های عدالت اقتصادی محسوب می‌شود. رهبر معظم انقلاب همواره نسبت به نظام چالش‌زای بانکی کشور هشدار داده‌اند و از ابتدای دهه ۱۳۹۰ این هشدارها با تاکید بر اینکه بانک‌ها نباید از ابزار خدمت به عدالت خارج شوند، جدی‌تر بوده است. هشدارهایی که تنها توصیه‌های اخلاقی نیستند؛ بلکه نشان از یک مسئله ساختاری دارند که امروز در قالب سودهای کمرشکن، خلق پول بی‌ضابطه، انحصار اعتباری و تمرکز ثروت، خود را نشان می‌دهد.

رهبر انقلاب حتـی در اوج کرونا در دیدار تصویـری با رئیس‌جمهوری و اعضای دولت به مناسبت هفته دولت در ۲ شهریور ۱۳۹۹ در رابطه با اصلاح نظام بودجه‌ریزی، بانکی و مالیاتی کشـور به دولت آقای روحانی که در آخرین سال دولتش قرار داشت، فرمودند: «تلاش کنید در یک سال باقیمانده کارهای اساسی و بزرگی برای دولت بعد به یادگار بگذارید که «اصلاح ساختار بودجه، نظام بانکی و نظام مالیاتی» جزو این‌گونه کارهاست.» این در حالی بود که پیش از آن، همین دولت وعده اصلاح نظـام بانکی را داده بود تا آنجا که رهبر انقلاب می‌فرمایند: «یکی از مسـئولان عالی‌رتبه در سال‌های ۹۳ و ۹۴ نامه‌ای برای من نوشته بود مبنی بر اینکه برای اصلاح مسـئله بانک کشور لایحه‌ای در دست تنظیم است و تا چند ماه دیگر به مجلس خواهد رفت؛ اما به من گزارش دادند که الان چهار سال از آن زمان می‌گذرد و هنوز این لایحه به مجلس ارائه نشده است.» نتیجه این بی‌توجهی به اصلاح نظام بانکی این می‌شود که مرکز پژوهش‌های مجلس به عنوان یک نهاد نظارتی در گزارش‌های رسمی خود می‌آورد که میانگین نرخ مؤثر بهره در تسـهیلات خرد بانکی در ایران بین ۳۰ تا ۳۸ درصد است؛ این در حالی است که سقف قانونی سود تسهیلات از سوی بانک مرکزی معادل ۱۸ درصد تعیین شـده است. بدین معنا که مردم در عمل حدود دو برابر نرخ مصوب - اگر بیشتر نباشد-، هزینه تسهیلات می‌پردازند و اکثر بانک‌ها از طریق قراردادهای صوری، کارمزدهای غیرشفاف و شروط فزاینده در اقساط، فشار مضاعفی را متوجه مردم کرده‌اند. به این نمونه که نگارنده در روزهای اخیر با آن مواجه بودم، توجه کنید:

۱- یکی از دوستان، بعد از ۱۰ سال ساکن بودن در آپارتمانی در شرق تهران درصدد برآمد آپارتمان ۷۵ متری خود را فروخته و یک آپارتمان ۸۵ متری با ۱۸ سـال ساخت در همان منطقه بخرد و با ۱۰ متر افزایش متراژ، تغییری در زندگی خود داده باشد. آپارتمان قبلی خود را با ۷/۸ میلیارد تومان فروخت و آپارتمان جدیدی را با ۸/۵ میلیارد تهیه کرد و بابت خرید و تعمیرات واحد جدید ۱/۲ میلیارد تومان کسـری داشت که برای دریافت وام با سند به بانک مراجعه و بانک هم با گشاده‌دستی و ان‌شاءالله خوشرویی از وی استقبال کرد با این تفاوت که ابتدا برای دریافت ۱/۲ میلیارد وام، باید ۳۵۰ میلیون تومان اوراق تهیه کند تا بتواند وام را دریافت کند. قصه پرغصه از این‌جا شروع می‌شود که برای ۱/۲ میلیارد تومان وام باید به مدت ۱۲ سـال یعنی ۱۴۴ ماه و هر ماه ۳۰ میلیون تومان اقساط پرداخت کند. به تعبیر دیگر باید ۴ میلیارد و ۳۲۰ میلیون تومان باز پرداخت داشته باشد. یعنی نصف قیمت آپارتمانی که ۸/۵ میلیارد تومان خریداری کرده را باید قسط بپردازد. این میزان اقساط با کدام درصد سود محاسبه می‌شود؟

۲- در کنار سودهای سنگین، پدیده «خلق پول بی‌ضابطه» نیز به شکل جدی موجب تضییع حقوق مردم شده است. بنابر آمار بانک مرکزی در پایان سال ۱۴۰۲، بیش از ۵۱ درصد از کل پایه پولی کشور ناشی از بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی بوده است. یعنی بانک‌ها از طریق افزایش اعتبار اسمی بدون پشتوانه واقعی، پول تازه خلق کرده‌اند؛ اقدامی که به زبان رهبر معظم انقلاب در بیانات ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ «یعنی دزدیدن از جیب مردم بدون اطلاع آنها» است. همین هفته گذشته یکی از نمایندگان مجلس که در کمیسیون اقتصادی مجلس مسئولیت دارد در جلسه‌ای می‌گفت: بانک‌ها روزانه ۱۱ هزار میلیارد تومان پول خلق می‌کنند و این در حالی است که خرج روزانه دولت ۷ هزار میلیارد تومان (۷ همت) است. تنها ۲ درصد از این ۱۱ هزار میلیارد تومان با اسـکناس و چاپ پول انجام می‌شود و ۹۸ درصد آن با سپرده‌ها که ۱۸ درصد آن جاری و ۸۰ درصد مدت‌دار است صورت می‌گیرد. مدت‌دار آن حساب‌هایی است که بانک‌ها به آنها از ۲۳ درصد تا ۳۰ درصد سود می‌دهد که البته در برخی مواقع همچون بانک تعطیل شده آینده تا ۳۸ درصد هم سود داده شده است. ۷۰ درصد نقدینگی این ۱۱ هزار میلیارد تومان خلق پول، دست یک درصد از سپرده‌ها قرار دارد یعنی ۱۱ هزار میلیارد تومان به حساب یک درصد واریز می‌شود و ۳۰ درصد بقیه را ۹۹ درصد سپرده‌گذاران دریافت می‌کنند.

۳- خلق پول از دو طریق انجام می‌شـود که یکـی از طریق وام دادن‌ها و دیگری سود یا بهره‌ای است که به سپرده‌ها داده می‌شود. مهم‌ترین عامل خلق پول سودهای بانکی است. هرچه سود یا همان بهره بانکی بالاتر باشد، خلق پول بیشـتر خواهد بود. این یک واقعیت اقتصادی است که هرچه بهره بیشتر باشد حجم پول بیشتر رشد می‌کند. اینجاست که دلیل سود ۳ درصد یا کمتر از آن، مثلا صفر درصد را در کشـوری مثل ژاپن می‌فهمیم. آقایانی که معتقد بودند ما می‌خواستیم ژاپن شویم ولی نگذاشتند باید بروند ببینند کجای نظام اقتصادی که از دوران سازندگی با تاسیس بانک‌های خصوصی و افزایش سودهای بانکی که در دهه ۷۰ و ۸۰ دستورالعمل می‌شد و به بانک‌ها ابلاغ می‌کردند با رفتار اقتصادی ژاپنی‌ها همخوانی دارد! در فاصله سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ حدود ۶۲ درصد رشد نقدینگی ناشی از خلق پول بانک‌ها بوده است. معادل تورمی همین افزایش، کاهش ۲۷درصدی قدرت خرید اقشار متوسط و پایین جامعه است؛ نتیجه این تصمیم غلط را هیچ بانکی به‌صورت علنی اعلام نکرده، اما مردم آثارش را در سفره خود کاملا حس کرده و می‌کنند.

۴- رهبر معظم انقلاب در دیدار اعضای هیئت دولت (۶ شهریور ۱۴۰۱) هشدار دادند که خلق پول و پرداخت‌های بی‌قاعده بانکی موجب تورم و تضعیف تولید می‌شود و تصریح فرمودند: «خلق پول بدون کار و تولید یعنی بی‌عدالتی ساختاری در اقتصاد کشور است.» اما با وجود این هشدارها، ساختار نظارتی بانک مرکزی و وزارت اقتصاد هنوز قادر به مهار این وضعیت نشده است، چراکه به‌جای تزریق پول به بخش مولد اقتصاد کشور، این پول‌های بی‌ضابطه خلق شده، به بخش غیر تولیدی، خدماتی، بازرگانی و واسطه‌گری تزریق شده است. براساس داده‌های رسمی بانک مرکزی (اسفند ۱۴۰۲)، سهم بخش صنعت و کشاورزی از کل تسهیلات بانکی به ۲۲ درصد کاهش یافته، در حالی که سهم بخش‌های خدماتی و بازرگانی به بیش از ۵۵ درصد رسـیده است. این آمار در تضاد با فرمان صریح رهبر معظم انقلاب است که بیان فرمودند: «بانک باید در خدمت تولید باشد، نه تجارت پول به پول.» این آمار واقعا تکان دهنده است که گفته می‌شود در طول ۵۲ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۵۲ تا ۱۴۰۴ نقدینگی در ایران ۲۱۰ هزار برابر شده است یعنی هر ۳ سال نقدینگی در ایران دو برابر می‌شود. حالا شما حساب کنید با نقدینگی روزانه ۱۱ هزار میلیارد تومان قرار است چه بلایی بر سر اقتصاد این کشور بیاید؟ این نقدینگی باید به بخش تولید اختصاص داده شود ولی با روندی که پیش می‌رود نشانه چندانی از این تغییر روند دیده نمی‌شود که مسئولان محترم باید این هشدار را جدی بگیرند.

۵- رهبر معظم انقلاب در دیدار با مدیران بانکی (۱۹ دی ۱۳۹۵) با صراحت فرمودند: «اگر ربا در جامعه ما وجود داشته باشد، فسادش از زنا با محارم در کنار کعبه بیشتر است.» این بیان نه‌تنها هشداری فقهی، بلکه اعلان خطر نسبت به فروپاشی اعتماد اجتماعی در اقتصاد اسلامی است. وقتی مردم در دریافت وام را معادل گرفتار شدن در چرخه سود مضاعف می‌دانند، نه تنها از بانکداری اسلامی فاصله گرفته‌ایم بلکه اساس مشروعیت اخلاقی بانک‌های خود را فروریخته‌ایم. ما مجاز نیستیم با نسخه‌های دیکته شده اقتصاد «کینزی» نظام بانکی خود را طراحی و پیاده‌سازی کنیم. وقتی رئیس‌جمهوری ۸ سال کشور را گرفتار یک مدل اقتصادی می‌کند و کتابی با عنوان «نظام اقتصادی ایران» می‌نویسد و در انتهای کتاب قطور خود، مدل اقتصاد «نئوکینزی» را بهترین الگو برای اقتصاد ایران معرفی می‌کند، طبیعی است نظام بانکی ما به هشدارهای رهبری توجه نمی‌کند و اگر نگوییم رد پای ربا در بانک‌های ما دیده می‌شود، حداقل این بانک‌ها مشکوک به آن هستند. مگر می‌شود یک نظام اسلامی اندیشه‌های اقتصادی خود را به نظریات اقتصادی مکتبی گره بزند که از اساس مسیر انحرافی را طی می‌کند. «جان مینارد کینز» که آقایان مدل اقتصادی او را برای کشور دنبال می‌کنند در سال ۱۹۳۰ در بحبوحه بحران جهانگیر اقتصادی، وعده روزی را می‌دهد که همگان ثروتمند شده‌اند و برای پیاده‌سازی این وعده خود می‌گوید: «دست کم برای یک صد سال دیگر باید برای خود و هر کس دیگر تظاهر کنیم که بدی، نیکی است و نیکی، بدی؛ زیرا بدی، مفید است و نیکی، مفید نیست. حرص، ربا و احتیاط باید همچنان برای یک مدت کوتاه دیگر، خدایان ما باشند. زیرا فقط آنها می‌توانند ما را از گذرگاه تاریک نیاز اقتصادی به روشنایی روز، رهنما شوند.» بنابراین، اصلاح‌طلبان خوب می‌دانند این مسیری که امروز در عرصه اقتصاد و نظام بانکی دنبال می‌شود دست‌پخت آنهاست و اگر قرار است کسی یا کسانی سرزنش شوند آن جریان فکری است که از دهه ۷۰ با وجود همه هشدارها، مسیری را رفتند که امروز کشور گرفتار آن شده است و بازگشت از این مسیر غلط، فقط نیازمند حرکت در راهی است که بیش از سه دهه است که رهبر انقلاب نسبت به آن تاکید و هشدار داده‌اند.

حسن رشوند

مرشایمر:

اسرائیل توان مقابله با پاسخ ایران را ندارد

نظریه‌پـرداز و تحلیلگـر مطرح آمریکایی، حمله مشترک واشـنگتن و تل‌آویو به تهران را «شکست‌خورده» توصیف و تاکید کرد حمله مجدد اسرائیل به ایران، برای رفتن به سمت سلاح هسته‌ای، انگیزه بیشتری به تهران خواهد داد.

«جان جی مرشایمر» نظریه‌پرداز آمریکایی و اسـتاد برجسـته روابط بین‌الملل در گفت‌وگویی اظهار داشت: که نسل‌کشـی در نوار غزه بسیاری از آمریکایی‌ها را شوکه کرده و باعث تغییر بزرگی در گفتمان عمومی آمریکا شده که با گفتمان سیاسـی رسمی به طور کامل تعارض دارد.

بـه گـزارش سیاسـت خارجی ایرنـا، مرشـایمر در برنامـه «The Interview» بـه موضوعات مهمی از جمله تجاوز رژیم صهیونیستی علیه غزه و پیامدهای آن، نتایج تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در ماه ژوئن و همچنین تنش جاری بین واشنگتن و پکن پرداخت.

اسرائیل؛ کالایی که دیگر در آمریکا خریدار ندارد

وی دربـاره غزه تاکید کرد که در جامعه آمریکا نسبت به رفتار اسرائیل، لابی یهودی و سیاست آمریکا در قبال اسرائیل انتقاد گسترده‌ای شکل گرفته و در افکار عمومی آمریکا تغییری بنیادی رخ داده تـا جایی که بـه گفته وی، «اسـرائیل اکنون در آمریکا به کالایی بدل شـده که فروش آن بسیار دشوار است.» مرشایمر می‌گوید که نقطه آغاز این تغییر پس از هفتم اکتبر ۲۰۲۳ و تجاوز گسترده تل‌آویو علیه غزه و آغاز نسل‌کشی در این باریکه بود.

به گفته وی، افکار عمومی آمریکا با نسل‌کشـی در غزه مخالفت داشت امـا لابی یهودی موفق شـد تا هر دو دولت آمریـکا یعنی دولت جو بایدن، رئیس‌جمهوری سـابق و دولت دونالد ترامـپ، رئیس‌جمهـوری کنونی این کشـور را به حمایـت از آن وادار کند و این لابی همچنان در متقاعد کردن واشنگتن به پشـتیبانی بی‌قیدوشرط از سیاست‌های اسرائیل در خاورمیانه بسیار موفق است و برای متوقف کردن تظاهرات علیه اسـرائیل نهایت تلاش خود را به کار می‌گیرد.

مرشـایمر درباره طرح آتش‌بس ترامپ در غزه نیز توضیح می‌دهد که هدف اصلی اسرائیل در غزه «پاکسازی قومی فلسطینی‌ها» است که به ادعای آنها این هدف یـا بیرون راندن آنها از سرزمین‌شـان یا کشـتن آنها محقق خواهد شـد. تل‌آویو پیش از رسیدن به این آتش‌بس که تنها در سطح یک کلمه باقی‌مانده است نیز همین کار را انجام می‌داد. از نگاه اسرائیلی‌ها، بهترین راه‌حل برای مقابله با مسـئله مقاومت اسلامی فلسـطین(حماس)، حذف یا کشتن فلسطینی‌هاست.

وی در همین راسـتا با ارجاع به تاریخ یادآوری می‌کنـد که یهودیان اولیـن پاکسـازی قومی را در سـال ۱۹۴۸ و دومین پاکسازی قومی را در سـال ۱۹۶۷ انجام دادند و اکنون آنها سال ۲۰۲۳ را فرصتی می‌بینند برای بیرون راندن فلسطینی‌ها می‌بینند. به باور مرشایمر، شهرک‌نشینان اسرائیلی، «در قبال فلسطینیان بسیار افراطی‌تر، انعطاف‌ناپذیرتر، بی‌رحم‌تر و وحشی‌تر شده‌اند.»

نظریه‌پرداز برجسـته آمریکایی می‌گوید از آنجا که اسرائیل به پاکسازی قومی غزه متعهد است، موفقیت طرح پیشـنهادی ترامپ بسیار غیرمحتمل اسـت. بـه گفتـه وی، موفقیت هر طرحی به وجود «افقی سیاسـی برای فلسطینی‌ها» به معنای برخورداری از کشور مستقل، حاکمیت و حق تعیین سرنوشت وابسته است اما طرح ترامپ هیچ‌کدام از این افق‌هـا را ندارد و در نتیجه به جایی نخواهد رسید.

حمله به ایران شکست خورد

در سـوی دیگر، مرشایمر بر این باور است که اسـرائیل در جنگ غزه شکسـت خورده است و افزون بر این، در جنـگ ۱۲ روزه علیه ایران موفق نشد تا هیچ‌کدام از دو هدف اصلی که ترسیم کرده بود را محقق سازد؛ نه از بین بردن توان غنی‌سازی اورانیوم ایران و نه سرنگونی حکومت و فروپاشی ایران به عنوان یک کشور.

ایـن تحلیلگر مطـرح آمریکایی همچنین بر این باور است که اسرائیل و آمریـکا دیگر حملـه جدیدی علیه ایـران انجام نخواهند داد زیرا به گفته وی، اسرائیل توان مقابله با پاسخ ایران را ندارد. وی برای اثبات این باور، یادآور شـد که ایران از زرادخانه عظیمی از موشک‌های بالستیک برخوردار است که می‌تواند خسارت سنگینی به اسرائیل وارد و آن را به شدت تنبیه کند.

همچنین آمریکا و اسـرائیل برای رهگیری و سـرنگونی موشـک‌های بالستیک ایران توانایی پدافندی کافی را ندارند. افزون بـر این، ایران تهدید کرده است که در صورت ادامه جنگ، تنگـه هرمز و خلیج‌فـارس را خواهد بست؛ تهدیدی که آغاز حمله‌ای جدید را بسیار بعید می‌سازد. البته پر واضح است که اسرائیلی‌ها به استفاده از زور علیه دشمنان خود اعتیاد دارند.

به ادعای مرشـایمر، حمله مجدد اسرائیل به ایران، برای رفتن به سمت سـلاح هسـته‌ای، انگیزه بیشتری به تهران خواهد داد. وی صراحتا می‌گوید که «اگر من مشـاور امنیت ملی ایران بودم، به حکومت توصیه می‌کردم که به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند»؛ به باور وی، تهران اکنون قدرت بازدارندگی خود را تقویت و ثابت کرده اسـت که توانایی پاسخ دادن را دارد.

مرشایمر درباره آنچه فاصله ایران تا بمب هسـته‌ای خوانده شده است، مدعی شد که ایران اورانیوم را تا سطح ۶۰ درصد غنی‌سازی کرده و برای سلاح هسته‌ای به غنی‌سازی تا ۹۰ درصد نیاز دارد، اما به گفته وی، هم‌اکنون به نظر نمی‌رسـد که در این مرحله برای این منظور عزم جدی داشته باشد.

ادعـای مرشـایمر در این باره در حالی مطرح شده است که تهران همواره بر ماهیت صلح‌آمیز برنامه هسته‌ای خود تاکید و ادعاها درباره سـاخت سلاح هسته‌ای را قویا رد کرده است.

وی همچنیـن می‌گویـد که در مسئله هسـته‌ای ایران، این اسرائیل است که تصمیم‌گیرنده است و سیاست آمریکا را تعیین می‌کند و این اسرائیل است که می‌خواهد ایران به هیچ عنوان برنامه غنی‌سازی نداشته باشد که از قضا با موضع آمریکا مطابقـت دارد. البته تهـران دراین‌باره بر موضع خود مبنی بر داشـتن حق غنی‌سازی مصر است. به باور وی، در چنین شـرایطی، حتی اگر ایرانی‌ها و آمریکایی‌ها بار دیگر به میز مذاکره بازگردند، همچنان فضائی برای توافق وجود ندارد.

مرشایمر به صراحت تایید کرد که «اسرائیل، آمریکا را مجبور کرده است تا با ایـران روابط خصمانه برقرار کند. در حالی که جنگ یا دشمنی با ایران به هیچ عنوان در راسـتای منافع ملی آمریکا نیست.»

تنش‌ها بین آمریکا و چین

مرشـایمر در پایان درباره تشدید تنش بین واشـنگتن و پکن نیز گفت که آنها محکوم به رقابت شدید امنیتی هسـتند و این بـه معنای مسـابقه تسـلیحاتی و رقابت دائمی در حوزه امنیت است.

بـه گفته وی، اینکه این رقابت به علت وجود تایوان به جنگ تبدیل شود، غیرمحتمل نیست زیرا چین خواستار بازپس‌گیری این جزیره خودمختار است و در سوی دیگر، واشنگتن و متحدانش بر حفظ آن به‌عنوان یک هویت مستقل پافشاری می‌کنند.

خبر ویژه

ارگان کارگزاران چرا ارزیابی طیب‌نیا درباره ظریف را به یاد نمی‌آورد؟

ارگان مطبوعاتی کارگزاران مدعی شـد: تندروها بـا یک برنامه‌ریزی چندلایه، ژنرال‌های دولت پزشکیان را از قطار پیاده کردند و گروهبان‌هایی را به جای آنها به درون دولت هل دادند.

روزنامه سـازندگی، در کنـار تصویر آقایان طیب نیا و همتـی، و ذیل تیتر «جای خالی ژنرال‌ها» می‌نویسد: این روزها کلاس‌های درس عبدالناصر همتی و علی طیب‌نیا در دانشگاه تهران شلوغ‌تر از همیشه است. ظاهرا این وضعیت برای محمدجواد ظریف نیز حاکم است. این سه روزگاری سوار قطار دولت بودند و قرار بود به اتفاق آنان، وضعیت جدیدی برای کشور رقم بخورد. حداقل این امیدواری وجود داشت که دولت مسیر جدیدی را نه فقط در سیاست خارجی که در اقتصاد نیز در پیش بگیرد. به همین دلیل نیز سـه نفر در این دولت ماموریت سـنگینی برعهده داشـتند. محمدجواد ظریف قطب‌نمای سیاست خارجی دولت بود و به نظر می‌رسید حتی اگر وزیرخارجه هم نباشد، می‌تواند در درون دولت نقش‌آفرینی کند. دومی علی طیب‌نیا بود که تصور می‌شد، معاون اول رئیس‌جمهور شود و هدایت ستاد اقتصادی دولت را در اختیار بگیرد تا وضعیت ناترازی‌های انباشته را بهبود بخشد و بعد از او نیز عبدالناصر همتی قرار داشت که به نظر می‌رسید، می‌تواند تلاطم را از اقتصاد ایران دور کند. چنین هم بود. ۶ ماه اول دولت بدون تنش‌های آنچنانی پیش رفت. در سیاست خارجی گشایش‌هایی رخ داد و اقتصاد، وضعیت آرامی را سپری می‌کرد اگرچه بعد از مدتی کوتاه، اولین نفری که با کارشکنی‌های درون‌دولتی از قطار دولت پیاده شد، علی طیب‌نیا بود و بعد تندروها با نفوذی که داشتند، یکی یکی دیگران را هم پیاده کردند. ابتدا ظریف و بعد هم همتی.

فارغ از عدم به‌کارگیری بسـیاری از چهره‌های توانمند، ماجرای حذف ژنرال‌های دولت و جایگزینی آنان با گروهبان‌ها نیز تنها یک تغییر سـاده در ترکیب کابینه نیست؛ بلکه نشانه‌ای از یک روند سازمان‌یافته و چندلایه است که جریان‌های تندرو با دقت طراحی کرده‌اند. حذف ژنرال‌ها و جایگزینی آنان با گروهبان‌ها نه یک حادثه ناگهانی بلکه بخشـی از یک اسـتراتژی هدفمند بوده است.

سازندگی در پایان نوشت: «عبدالناصر همتی و علی طیب‌نیا دو چهره شاخص و از ژنرال‌های اقتصادی هستند که با وجود نزدیکی به دولت چهاردهم از مدار تصمیم‌گیری دور مانده‌اند. طیب‌نیا نیز با وجود شـهرت عمومی‌اش که تک‌رقمی شـدن تورم در دولت اول حسن روحانی به نام او ثبت شده، کنار گذاشته شده است».

درباره ادعای روزنامه حزب کارگزاران (فارغ از اهانت این روزنامه به افراد حاضر در کابینه با لفظ گروهبان‌ها) باید چند مطلب را یادآور شد. نکته اول تناقض تصویر ساخته شده از آقای طیب نیا (ضد تورم) در مقایسـه با رویکرد و عملکـرد آقای همتی در وزارت اقتصاد به عنوان مدافع آزادسـازی قیمت‌ها و گران کردن اقلامی مانند ارز و خودرو بود چنان که اقدام وی به بهانه حذف ارز نیمایی و تک نرخی کردن ارز موجب استارت خوردن گرانی ارز شد و البته ارز هم همچنان چند نرخی ماند. ضمنا در حالی که طیب نیا در میانه راه از دولت روحانی جدا شده بود، همتی به دولت پیوست و از عوامل مؤثر در ثبت تورم ۴۵ درصدی و جهش قیمت ارز بود.

ثانیا روزی که نام طیب نیا در کنار پزشـکیان عکس تبلیغاتی گرفت، نشـریات وابسته به مدعیان اصلاحات تیتر زدند: «طبیب تورم/ طبیب ایران/ ظهور طبیب نیا/ طبیب اقتصاد ایران/ طبیب تورم آمد/ وزیر اقتصاد موفق دولت روحانی، به عنوان فرمانده اقتصادی پزشکیان می‌آید/ رهبر برنامه‌های اقتصادی دولت پزشـکیان آغاز به کار کرد/ وزیر ضد تورم، فرمانده اقتصادی پزشـکیان شد/ و...». اما برخلاف فضاسازی‌ها، طیب نیا نه به عنوان معاون اول رئیس‌جمهور و نه به عنوان وزیر اقتصاد معرفی نشد و نهایتا حکم مشاور رئیس‌جمهور را دریافت کرد و بعد از مدتی هم از حضور در جلسات دولت منصرف شد.

شـاید پرداخت به فحوای اظهارات طیب نیا درباره ظریف بتواند بخشـی از علت ماجرا را روشن کند. طیب نیا قبل از انتخابات، سر کلاس درس درباره ظریف گفته بود (وفایل صوتی‌اش هم منتشـر شد): «ایشان فردا رئیس‌جمهور بشـود، ظریف را می‌خواهد به عنوان وزیر خارجه معرفی کند؛ حتما مجلس رای نخواهـد داد. بگذریم از اینکه من، ظریف رو ضعیف‌ترین وزیر خارجه بعد از انقلاب می‌دانم. قوی‌ترین کارشـناس، هر چیزی جای خودش را دارد. قوی‌ترین کارشناس، ضعیف‌ترین وزیر خارجه! دوره آقای ظریف، روابط خارجی ما افتضاح بود خصوصا روابط منطقه‌ای! ایشان اصلا آدم اجرایی نیست. قائم‌مقامش هم یک آدم خیلی ضعیفی را گذاشته بود».

اجمالا اینکه طیب نیا نه به خاطر نظر منتقدان دولت بلکه به خاطر مخالفت از درون دولت و تعارض دیدگاه‌های وی با نگاه برخی افراد مؤثر در چیدمان دولت، از حضور در کابینه باز ماند و قادر نبود با نگاه حاکم بر دولت کار کند.

ثالثا در موضوع آقای ظریف، صرف نظر از اینکه حضور وی در دولت منع قانونی داشـت و انتصـاب وی از همان ابتدا غیر قانونی بـود، مطلوب وی در زمینه مذاکره با آمریکا (با وجود مالباختگی مطلق در برجام) در دولت پزشکیان به اجرا درآمد و خسارت خود را در قالب شرطی کردن مجدد اقتصاد، فرصت سوزی دولت در زمینه مدیریت درونزای اقتصادی، و نهایتا گستاخ شدن دشمن برای اقدام نظامی در اثر مشاهده سیگنال‌های ضعف، به نمایش گذاشت.

از پوست موز ارز ۴۲۰۰ تومانی تا پوست خربزه آزاد کردن قیمت بنزین

روزنامه هم‌میهن نوشت: هدف اصلی طرح دولت حذف کامل قیمت‌گذاری در حامل‌های انرژی البته به‌صورت پله‌ای برای حامل‌های انرژی است.

این روزنامه در سـرمقاله‌ای (به قلم محکوم پرونده فروش اطلاعات به بیگانگان) نوشـت: به نظر می‌رسـد که مخالفت‌ها با انتصاب معاون انرژی موجب شـد که رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت به این موضوع بپردازد. پزشکیان گفت: «از نخستین روز آغاز به کار، موضوع حل ناترازی‌های انرژی برای من و مجموعه دولت یکی از اصلی‌ترین، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین مسائل کشور بوده است. بر همین اساس، از گروه‌های متعدد صاحب‌نظر، ایده‌پرداز و دارای برنامه دعوت شد تا دیدگاه‌ها و پیشنهادهای خود را در این زمینه ارائه کنند. از میان این طرح‌ها و مباحث و برنامه‌ها، تحلیل‌ها و تسلط تیم و شخص آقای سقاب‌اصفهانی جامع‌تر، دقیق‌تر و کارآمدتر بود.»

قصد مچ‌گیری نداریم؛ ولی پرداختن به این مسـئله مهم آن هم پس از ۱۵ماه که از آغاز به کار دولت می‌گذرد، اصلا پذیرفتنی نیسـت. هنوز یک گزارش یکخطی نداده‌اید که در این ۱۵ماه چه مسائلی درباره انرژی در دولت مطرح شده و چرا هیچ نتیجه‌ای تاکنون نداشته است. بهتر است توجیهی هم نیاورید، چون شنیده نمی‌شود.

هیچ‌کس هیچ اطلاع رسمی از مسائل پیرامون انرژی در دولت ندارد. طرح موردنظر منسوب به معاون فعلی هم از سال‌ها پیش مطرح بوده و هیچ‌چیز جدیدی نبود و نیست؛ فقط نیازمند یک اراده بود که ۱۵ماه برای آن وقت تلف شـد، هنوز هم معلوم نیسـت اجرایی شود. هرچند برنامه دارند که در اردیبهشت اجرا کنند.

آنان قبلاً هم می‌خواسـتند اجرا کنند؛ ولی در آخرین مراحل افراد ترسـو یا دنبال قدرت یا افراد ذی‌نفع مانع از تصویب و اجرایش می‌شـدند. از همین افراد در دولت شـما هم هست. اکنون هم احتمال زیادی برای اجرایش نیست؛ مگر اینکه همه ساختار و جامعه پای کار بیایند. تا آنجا که می‌دانیم، هدف اصلی این طرح حذف کامل قیمت‌گذاری در حامل‌های انرژی البته به‌صورت پله‌ای برای حامل‌های انرژی اسـت. چه به‌صورت سوخت و چه به‌صورت ماده اولیه و خوراک کارخانجات.

این ملی‌ترین طرحی است که در دوره احمدی‌نژاد به‌صورت پرداخت پول نقد ۴۵۰۰۰تومان در ماه تخریب شد. اگر همان زمان به‌جای این مبلغ، ۴۵لیتر بنزین به همه مردم تعلق می‌گرفت، بدون تردید تا امروز قیمت همه حامل‌های انرژی درست شده بود و از بخش مهمی از خسارات مادی که به کشور وارد شده است، مصون می‌ماندیم.

پرسش اساسی این است که اگر با انتصاب آقای سقاب مخالفت نمی‌شد، آیا رئیس‌جمهور چنین توضیحی می‌دادند؟ آیا برای انتخاب وزرا یا دیگر مدیران خود هم همین روند مبتنی بر برنامه را طی کردند؟ آیا ایشان برنامه سقاب را به‌صورت نهائی پذیرفته‌اند یا مثل دولت قبل از ترس رای نیاوردن، آن را کان‌لم‌یکن خواهند کرد؟».

نویسـنده سرمقاله هم‌میهن البته عامدانه از دولت فعلی به دولت احمدی‌نژاد پرش کرده است وگرنه باید توضیح می‌داد که در دولت روحانی چه مصائب بزرگی درباره قیمت ارز و بنزین به کشور تحمیل شد.

آقای روحانی با تعیین قیمت غیرکارشناسی برای ارز (۴۲۰۰) تومان و دستور حراج بدون محدودیت منابع ارزی کمیاب، برای رانت‌خوران رانت چند صد هزار میلیارد تومانی فراهم کرد و سپس خزانه ارزی را خالی تحویل دولت رئیسی داد.

در موضوع بنزین هم روحانی و زنگنه برای شـیرین‌نمایی توافق با آمریکا و فریب مردم، سهمیه‌بندی بنزین را حذف کرده و به مدت چهار سال قیمت را ثابت نگاه داشتن و پس از آن کـه مصـرف (و قاچاق بنزین) به حد غیرقابل تحملی برای دولت بالا رفت، روحانی آن تصمیم یک‌شبه در سه برابر کردن نرخ بنزین را به اجرا گذاشت که به موج سواری دشمن و به هم ریختن آرامش جامعه در آبان سال ۹۸ منتهی شد. بنابر اعلام رئیس سازمان برنامه دولت فعلی، کشور در سـال ۱۳۹۸ از محل صادرات بنزین ۶ میلیارد دلار درآمد داشت اما اکنون مجبور اسـت همین مبلغ را برای واردات بنزین اختصاص دهد که متاسـفانه بخش متنابهی از آن با قاچاق از کشور خارج می‌شود.

بدین‌ترتیب باید از نویسنده هم‌میهن پرسید که چرا به علت اصلی فاجعه و چاره تجربه شـده آن نمی‌پردازد. او همان کسـی است که ۳۰ آذر ۱۴۰۰ بر پایه خرابکاری دولت روحانی، به دولت نوپای رئیسـی کنایه زد و نوشـت: «دو پوست موز زیر پای دولت است، ادامه یا حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی. انتخاب کنید کدام گام را برخواهید داشـت؟». این کنایه بدان معنا بود که می‌دانستند با تعیین قیمت یاد شده و حراج ارز، چه خرابکاری بزرگی کرده‌اند و دولت رئیسی باید برای اصلاح این روند، چه هزینه سنگینی در زمینه تامین ارز و اصلاح قیمت آن و تامین ارز مورد نیاز برای واردات کالاهای اساسی متحمل شود!

همان زمان، روزنامه‌های اعتماد و سازندگی، نرخ ۴۲۰۰ تومانی دلار را «استخوان در گلوی دولت» نامیدند و حال آنکه هنگام تعیین این قیمت، به استقبال آن رفته و از جهانگیری معاون اول روحانی تصویر سوپرمنی را بر صفحه اول نشانده بودند که در حال مدیریت بازار ارز است!

این نکته را هم باید یادآور شد که تاکید هم‌میهن بر حذف کامل قیمت‌گذاری، به معنای تحمیل تورم به مردم است و حال آنکه همین اقدام در موضوع ارز با ادعای تک‌نرخی کردن آن منطبق با مظنه بازار موجب شده قیمت ارز در دولت پزشکیان تقریبا دو برابر شود!

از شعار کاهش نیرو تا افزایش نیرو در نهاد ریاست جمهوری!

روزنامه حامی دولت می‌گوید برخلاف تاکید آقای پزشکیان درباره کوچک‌سازی و کاهش نیروهای دولت، ظرف یک سال و نیم گذشته، تعداد قابل توجهی نیرو به نهاد ریاست جمهوری اضافه شده‌اند.

روزنامه شرق نوشت: بزرگی ساختار دولت و بهره‌وری نامتناسب و کم نیروی انسانی یکی از چالش‌های بزرگ ساختار دیوان‌سالاری کشور است. در دهه‌های گذشته، همزمان با طرح این چالش از طرف کارشناسان مبنی بر حجیم بودن و بزرگی نامتناسب ساختار دولت، روند بزرگ‌شدن ساختار دولت استمرار داشته؛ در نتیجه، هر روز بر شمار حقوق‌بگیران دولتی افزوده شده است.

افزایش شمار کارکنان دستگاه‌های دولتی موجب فشار بر دولت از نظر تأمین بودجه مورد نیاز برای پرداخت حقوق و مزایای این کارمندان و کارکنان می‌شـود. همچنین شـمار درخور توجه کارکنان دولتی موجب شده تا در روند اداره امور کشور نیز خلل وارد شده و روند اجرای برنامه‌ها با موانع بیشـتری روبه‌رو شـود؛ چراکه دستگاه‌های اداری با تعریف وظایفی برای این حجم از کارمندان، در عمل روند تصمیم‌سازی‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و اجرا را پیچیده‌تر کرده‌اند و البته زمینه‌های جدیدی برای فساد احتمالی نیز ایجاد شده است.

در روزهای گذشته رئیس قوه مجریه با ذکر مثالی درباره شمار کارکنان نهاد ریاست‌جمهوری گفت: «در نهاد ریاست‌جمهوری چهار هزار نیرو داریم. شاید با ۴۰۰ نفر و حتی ۴۰ نفر هم می‌شد، ۴۰ نفر خیلی کم است، اما با ۴۰۰ نفر می‌شد حل کرد. با آنها چه کار کنم؟ بیرون‌شان کنم؟ نمی‌شود، او هم تقصیر ندارد، ما او را استخدام کردیم، ما به او گفتیم این‌جا بنشین، اما کاری به او نسپردیم. اگر کاری می‌دادیم، کاری می‌کرد. چگونه این ساختار و ناترازی که دولت‌ها در روند کار به دلیل ناآگاهی و نبود مدیریت ایجاد کردند و همچنان ادامه دارد، به وجود آمده؛ چراکه هرکسی که آمده یک لشکر با خودش آورده و هی هزینه را بالا می‌برد، بدون اینکه کنترل کند».

برای مواجهه با چنین چالشـی پیشنهاد می‌شود دولت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و سازمان اداری و استخدامی را مأمور کند تا در زمان معینی گزارشی درباره نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های اداری تهیه و براساس مطالعات جامع برنامه‌ای چارچوبی تعریف کند که به‌تدریج با هدف افزایش بهره‌وری در دستگاه دولت روند به‌کارگیری نیروی انسانی تعدیل شود تا در دوره‌ای پنج تا ۱۰ساله تعداد نیروی انسانی شاغل در دستگاه‌های دولتی به وضعیت معقول و مقبولی برسد.

شـرق می‌افزاید: رئیس دولت در سـخنان خود با اشاره به اشتغال بیش از چهار هزار نفر در نهاد ریاست‌جمهوری، تأکید کرد ۴۰۰ نفر نیروی انسانی برای فعالیت‌های این نهاد کافی اسـت. در همین زمینه البته مشخص نشـده که حجم اضافی درخور توجه نیروی کار در نهاد ریاست‌جمهوری چه تأثیری بر ناکارآمدی‌ها و تأخیر در اقدامات و کندی فعالیت‌ها دارد. برای مقابله با این ناکارآمدی و کاهش بهره‌وری هم پیشنهادهایی می‌شود که با هدف مدیریت وضعیت موجود و افزایش راندمان کار، این تعداد از نیروی مازاد بدون حضور در سر کار، حقوق خود را دریافت کنند تا به‌تدریج و پس از بازنشستگی این گروه، از تعداد کارکنان نهاد ریاست‌جمهوری کاسته شود. همچنین می‌توان با ارائه بسته‌های تشویقی، کارکنان اضافی نهاد ریاست‌جمهوری را ترغیب کـرد تا با حضور در مناطق محروم به فعالیت‌های مورد نیاز ازجمله معلمی در مناطق محروم و سایر خدمات مورد نیاز کشور گمارده شوند. در همین زمینه گفته می‌شود در یک‌سال‌و نیم گذشته شمار زیادی نیروی کار به نهاد ریاست‌جمهوری افزوده شده است؛ یعنی تیم جدید همکار دولت با به‌کارگیری شمار درخورتوجهی نیروی انسانی به‌ویژه از یکی، دو استان بر شمار کارکنان این نهاد افزوده‌اند. پیشنهاد می‌شود دولت برای نشان دادن عزم خود در کاهش نیروی انسانی شاغل در نهاد ریاست‌جمهوری دراین‌باره هم اقدام فوری و عاجلی را در دستور کار قرار دهد.

بقیه در صفحه ۱۱

گفت و شنود

هابیل یا قابیل؟!

گفت: سردار رادان می‌گوید یک باند قاچاق سوخت، به مبلغ کلان و فوق نجومی ۱۱ هزار میلیارد تومان جریمه شده بود.

گفتم: حیوونکی‌ها این مبلغ فوق نجومی را از کجا بیاورند؟! اگر خودشـان و همه خانواده‌هایشان صد سال هم یکسره کار کنند هرگز توان پرداخت این جریمه کلان را نخواهند داشت!

گفت: ای عوام! سردار رادان گفته است این باند قاچاق سوخت فقط ظرف ۲ ساعت این جریمه ۱۱ هزار میلیارد تومانی را پرداخت کرده است!

گفتم: خدا بر توفیقات سردار رادان و همکارانش بیفزاید و به این مردان خدا که نسبت به غارت بیت‌المال حساسند، پاداش فراوان عنایت فرماید.

گفت: حالا مگر چقدر سـوخت قاچـاق کرده‌اند و چقدر از قاچاق سـوخت به جیب زده‌اند که این جریمه فـوق نجومی و کلان را فقط ظـرف ۲ سـاعت پرداخت کرده‌اند؟! اینها از انسـانیت و آدمیت بویی برده‌اند؟!

گفتم: چه عرض کنم؟! به یـارو گفتند مثل بچه آدم باش! گفت؛ هابیل یا قابیل؟!

نکته

اندک اندک جمع مستان می‌روند!

۱- جنجال این روزهای مدعیـان اصلاحات علیه انتصاب آقای سقاب اصفهانی را برخلاف ظاهر آن نباید در چارچوبی که اعتراض‌کنندگان ترسیم کرده‌اند به ارزیابی نشست. اعتراض مدعیـان اصلاحات به این انتصاب، اگرچـه به‌دلیل مخالفت با تصمیم قانونی رئیس‌جمهـور محترم، می‌تواند برای جناب پزشکیان ناخوشایند تلقی شـود ولی از شروع حرکتی خبر می‌دهد که برای دولت و مردم سودمند و گره‌گشا خواهد بود. مشـروط به آن‌که رئیس‌جمهور کشورمان، نکته نهفته در این حرکت مدعیان اصلاحات را همان‌گونه که هسـت ببینند و نه آن‌گونه که جماعت یاد شده ادعا می‌کنند!

۲- این نکته قابل انکار نیسـت که دولت محترم طی یک سـالی که از عمر آن می‌گذرد، در تامین خواسته‌های مردم و رفع مشکلات معیشتی و مقابله با برخی از ناترازی‌ها، موفقیت چندانی نداشته است! سؤال این است که آیا مشکلات موجود قابل حل نبوده‌اند؟! پاسخ به این سؤال نمی‌تواند مثبت باشد، زیرا دولت شهید رئیسی در حالی دولت آقای روحانی را تحویل گرفت که به اعتراف صریح مسئولان بلندپایه آن دولت، خزانه خالی بود، هزاران کارخانه و مرکز تولید تعطیل شـده بود، تحریم‌ها بیش از دو برابر شـده، ۶۰ تن طلا و ۳۰ میلیارد دلار برباد رفته بود، کرونا به فاجعه تبدیل شده و... ولی با این حال، دولت آن شهید با پشتکار مثال‌زدنی و به‌کارگیری کارشناسان ورزیده بر بسیاری از مشکلات غلبه کرد.

۳- یکـی از اصلی‌ترین علل عـدم موفقیت دولت آقای پزشکیان در حل برخی از مشکلات، به‌کارگیری شماری از افراد زاویه‌دار بوده است و یکی از اصلی‌ترین ویژگی زاویه‌دارها، تکیه بر بیرون به‌جای بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و امکانات داخلی است. رهبر معظم انقلاب چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری اخیر، خطاب به هرکس که رئیس‌جمهور خواهد شد، فرمودند: «با خداوند عهد کنند که در صورت کسب مسئولیت، اطرافیان و کارگزاران خود را از کسانی انتخاب نکنند که ذره‌ای با انقلاب اسـلامی زاویه دارند... کسی که دلبسته آمریکا باشد و تصور کند بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت و همچنین کسی که به راهبرد دین و شریعت بی‌اعتنایی کند، همکار و مدیر خوبی نیست».

۴- برخی از اطرافیان رئیس‌جمهور محترم (تاکید می‌شود که فقط برخی از آنها) همه امور کشور و حل تمامی مشکلات را در مذاکره و پیوند با آمریکا می‌دانستند و هنوز هم می‌دانند(!) تا آنجا که با وجود حمله نظامـی آمریکا در میانه مذاکرات و اعتراف ترامپ به رهبری حمله رژیم صهیونیسـتی، همچنان از مذاکره با آمریکا به‌عنـوان تنها راه پیش‌روی یاد می‌کنند! به عنـوان مثال به مواضـع ضدآمریکایی آقـای عراقچی اعتراض می‌کنند که چرا به شـیوه فرماندهان جنگی سخن می‌گوید؟! و... بدیهی اسـت که زاویه‌دارانی با این ویژگی، اگر در جایگاه تصمیم‌گیری و سیاست‌پردازی قرار بگیرند، به قول حضرت آقا «تصور می‌کنند بدون لطف آمریکا نمی‌شود قدم از قدم برداشت»! و نتیجه طبیعی این دیدگاه، رها کردن مشکلات به حال خود و دویدن در پی آمریکا برای مقابله با ناهنجاری‌ها و ناترازی‌ها خواهد بود. همان‌گونه که تاکنون شاهد بوده و هستیم.

۵- و اما، شـماری از زاویه‌داران مدعـی اصلاحات که با دلبسـتگی به آمریکا و مشاوره‌ها و اقدامات خسارت‌بار خود، دولت محترم را از رسـیدگی به مشکلات مردم باز داشته‌اند، این روزها ساز مخالفت با دولت را کوک کرده و در این شیپور فریب می‌دمند که پزشکیان به توصیه‌های آنها برای جابه‌جایی برخی از اعضای کابینه بی‌توجه اسـت و مشـکلات از این آبشخور پدید آمده است! اکنون جای آن است که رئیس‌جمهور محترم از این جماعت زاویه‌دار فاصله بگیرند و مسیر حرکت دولـت را همان‌گونه که می‌خواهنـد و بارها به صداقت بر آن تاکید ورزیده‌اند به کارشناسـان انقلابی و شایسته که بایسته برخی از مسـئولیت‌ها هستند بسپارند. ملای رومی در دیوان شمس تبریزی سروده‌ای با این مطلع دارد که؛

«اندک اندک جمع مسـتان می‌رسند»... و اکنون با اندکی تغییر که بسیار نیز هسـت می‌توان گفت «اندک اندک جمع مستان می‌روند»!

حسین شریعتمداری

سعید جلیلی:

دلار ۱۰۰هزار تومانی و جنگ و ماشه آوردند حالا می‌گویند «فوقش برگشتیم به همان ده سال قبل»!

نماینده رهبر معظم انقلاب در شـورای عالی امنیت ملی گفت: می‌گویند ما ۱۰ سال از قطعنامه‌ها دور شـدیم، حالا برگشـتیم، حداقـل از قطعنامه جامعه را دور نگه داشتیم. ۱۰ سـال دور نگه داشتید؟ جنگ را آوردید، ماشه را آوردیـد، تحریم‌ها را چندین برابر کردیـد. دلار ۳۰۰۰ تومان را ۱۰۰ هزار تومان کردید، بعد خیلی صریح می‌گویند ما ۱۰ سـال دور نگه داشتیم، فوقش برگشتیم به ۱۰ سـال قبل. این می‌شود همان گزاره‌های نادرست جای استدلال درست.

سعید جلیلی، نماینده رهبر معظم انقلاب در شورای عالی امنیت ملی در جلسه حکمت سیاسی اسلام در قرآن بیان داشت: بعضا انسان متأسف می‌شود که در جامعه ما، در این فضا حرف‌های غلط و گزاره‌های سست، جای استدلال درست را بگیرد. می‌گویند ما ۱۰ سال از قطعنامه‌ها دور شدیم، حالا برگشتیم، حداقـل از قطعنامه جامعه را دور نگه داشتیم.

وی افـزود: ۱۰ سـال دور نگـه داشـتید؟ جنـگ را آوردید، ماشـه را آوردیـد، تحریم‌هـا را چندیـن برابـر کردیـد. دلار ۳۰۰۰ تومان را ۱۰۰ هزار تومـان کردید، بعد خیلی صریح می‌گویند ما ۱۰ سـال دور نگه داشتیم، فوقش برگشتیم به ۱۰ سال قبل. این می‌شـود همـان گزاره‌های نادرست جای استدلال درست.

کیهان و خوانندگان

۳۳۱۱۰۰۶۵
ساعت ۳ تا ۶ بعدازظهر

* بر اسـاس نتایج نظرسـنجی مرکز تحقیقاتی «ایپـاک»، بنیامین نتانیاهو، نخسـت‌وزیر رژیم صهیونی، با «بحران سیاسی بی‌سابقه‌ای» روبه‌رو شده است. این نظرسنجی نشـان می‌دهد در صورت برگزاری انتخابات، اپوزیسیون «۷۲ کرسی از ۱۲۰ کرسی» کنست را کسب خواهد کرد. نظر به اینکه ۶۱ درصد از اشغالگران ساکن در آنجا خواستار تشکیل دولت ائتلافی بدون نتانیاهو هستند، به نظر می‌رسد دوره قدرت وی به پایان خود نزدیک می‌شود.

صابری مفرد

* شیطان بزرگ و رژیم کودک‌کش که فکر می‌کنند همه هسته‌ای ما را نابود کردند پس درخواسـت گروسی برای بازدید از مراکز هسته‌ای کشورمان برای چیست؟

احمدی

* عمر رحمون، دبیرکل جریان میانه‌رو در سوریه گفته؛ «جولانی مانند میمون روی بندهای سیاسـی بازی می‌کند، امروز می‌خواهد از عرب‌ها قدرت بگیرد تا ترکیه را از سـوریه طرد کند! کسی که در کمتر از یک سال ۱۱ هزار شهروند سـوری را کشته، چگونه می‌تواند در قدرت باقی بماند» قدرت‌های غربی چند صباحـی با او برای پیش بردن مقاصد شومشـان بازی می‌کنند و بعد از اتمام تاریخ مصرفش، سرش را زیر آب فرو می‌کنند.

جهانی

* از رزمندگان دلاور یگان‌های واکنش سریع نیروی دریایی سپاه پاسداران که پس از دستور مقام قضائی مبنی بر توقیف محموله غیرقانونی یک فروند نفت‌کش با نام تجاری (Talara) با پرچم جزایر مارشال به رصد تحرکات آن پرداخته و اقدام به رهگیری و توقیف آن کردند، تقدیر و تشکر می‌کنیم.

مسلمی

* هیچ تردیدی نداریم که استکبار جهانی و در رأس همه، شیطان بزرگ دشمنی ذاتی و اصولی با ما دارند و هسته‌ای بهانه‌ای بیش نیست. در صورت عقب‌نشینی از هسته‌ای طبق اظهارات مقامات این تروریست‌ها به سراغ موضوعات دیگر می‌روند. در همین راستا «وندی شرمن» در سال ۲۰۱۴ گفته است؛ «تعامل با ایران در یک موضوع، به معنای سکوت ما در باقی موارد نخواهد بود. آمریکا هیچ تردیدی به خود برای تحت فشار قراردادن جمهوری اسلامی ایران در موضوعات حقوق بشـر، تروریسم و مسئله اسرائیل راه نخواهد داد.» مقاومت تنها راه‌حل است و سازش پرهزینه و سرانجام ناکامی و شکست در پی دارد.

درگاهی

* محمد صفا، دیپلمات فلسـطینی حاضر در سـازمان ملل، پرده‌ای دیگر از جنایت‌های رژیم کودک‌کُش و وحشی را فاش کرد و گفت، علت این که برخی از کودکان شهید در غزه هیچ جراحت ظاهری نداشته و خون‌آلود نیستند این است که این رژیم آنها را با بمب‌های حرارتی شهید کرده است، که اکسیژن هوا را جذب می‌کنند تا انفجارهای با دمای بالا و فشـار زیاد ایجاد کنند، به‌طوری کـه به معنای واقعی کلمه، هوا را از ریه‌های کودک می‌کشـند و باعث انفجار داخلی شش‌های آنها می‌شوند!

کیوانی

*همان طور که دولت شـهید رئیسی، نشان داد با اراده می‌شود در جهت مهار بحران آب اقدام کرد. و در عمل هم پروژه‌های انتقال آب به خوزستان، کرمان و سیستان و بلوچستان را انجام داد، از دولت محترم هم می‌خواهیم که با تأسی از دولت شـهید جمهور، دل به دریای مشکلات بزند و به دنبال حل مشکلات جامعه باشند.

اکرمی

* وقتی غربگرایی و لیبرالیسم بین مردم رایج شد، ترس از خدا و حساب و کتاب الهی کنار گذاشته می‌شود. در نتیجه حرام‌خواری نه تنها زشت جلوه نمی‌کند بلکه زرنگی و امتیاز محسوب می‌گردد.

باغجری

* این روزها غرب‌گرایی در کشـورمان دیگر یک «گرایش فکری» نیست چرا که نشان داده به عامل توجیه نظام سلطه تبدیل شده است. کمتر از ۲۴ ساعت پـس از آنکـه ترامپ علناً اعلام کرد حمله اخیر اسـرائیل به ایران با هدایت و فرماندهی مستقیم آمریکا انجام شده، جریان غرب‌گرا نسخه «مصالحه با آمریکا» می‌پیچید. گویی هر بار که تحقیر می‌شـوند، میل به کوچک‌تر کردن خود در برابر غرب بیشتر می‌شود.

غزنوی

* زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین گفته رهبران اروپایی از ترامپ می‌ترسند. اما من نمی‌ترسم. لعنت بر آدم دروغگو. پس چگونه است که این شخص هر وقت نزد ترامپ حاضر می‌شود مثل یک سرباز خبردار می‌ایستد؟

هجرتی

* احتمالا راند دوم جنگ اسرائیل و آمریکا علیه ایران، زمانی آغاز خواهد شد که در داخل کشور موج همبستگی و انسجام ملی کاهش یابد و نیروهای امنیتی و نظامی، درگیر حواشی مرزی و داخلی شوند. پلن دوم ایالات متحده برای خلع سلاح ایران، فاز ایجاد اغتشاش در داخل ایران است.

فیض آبادی

*بزرگ‌ترین آسیب سیاست در ایران، فرهنگ سیاسی مبتذل و دوقطبی‌سازی‌های مصنوعی است که ریشه در برنامه‌ریزی دشمنان دارد. اختلاف‌نظر سیاسی موجب رشد خواهد شد. اما دوقطبی‌های کاذب، جامعه را به هیجان معتاد می‌کند. راهکار در حرکت به سمت چندقطبی عقلانی است.

قشقاوی

* تسلیم‌طلبی در برابر غرب، سرانجامی جز تبدیل ایران به سرنوشت تلخ لیبی و عراق ندارد. هیچ کشوری از طریق وابستگی به غرب پیشرفت نکرده. کشور چین هم دقیقاً برخلاف مسیر وابستگی به غرب حرکت کرد و امروز به موفقیت‌های چشمگیری دست یافته است.

فتحعلی زاده

* مجلس پس از بررسـی عملکرد یک‌ساله دولت آقای پزشکیان که با حضور وزرا برگزار شـد، در ارزیابی خود، عملکرد اقتصادی دولت را تنها ۳۷ از ۱۰۰ اعلام کردند! از قوه مجریه درخواست می‌شود پس از یک سال و کسب تجربه، با مدیریت جهادی به جنگ کاسـتی‌ها و حل مشکلات بروند تا مردم بیش از این در مشکلات دست‌وپنجه نرم نکنند.

سلمانی

*با گذشـت یک سال از شروع به‌کار دولت، به نظر می‌رسد که از انسجام لازم برخوردار نیست و لازم است یک خانه تکانی در دولت صورت بگیرد و افراد فاقد کارایی حذف و افراد توانمند به‌کار گرفته شوند.

دریایی

*وقتی در وسط جنگ دغدغه برخی از مسئولان، رفع فیلتر بی‌حساب و کتاب برخی پیامرسان‌های خارجی است که در حکم سرویس‌های جاسوسی بیگانگان عمل می‌کنند! نباید انتظار رفع مشکل جامعه را داشت!

عبدی

* بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود از وضعیت فقر در ایران اعلام کرده که در ۸ سال دولت آقای روحانی حدود ۱۳ میلیون نفر به تعداد فقرا در ایران اضافه شدند اما در سه سال دولت شهید رئیسی، ۱۰ میلیون نفر از زیر خط فقر خارج شدند. قابل توجه غربگدایان!

علی‌رحیمی

*مدتی اسـت که از یادداشت‌های جناب محترم خبری نیست. اگر امکان دارد انتشار مطالب ایشان تداوم داشته باشد.

گواهی- قزوین

* مگر دولت حقوق مردم را به دلار پرداخت می‌کند که قیمت بنزین، گوشت و مرغ را به دلار محاسـبه می‌کند؟ آیا این جفا در حق مردم نیسـت؟ آیا این انصاف است که حقوق ریالی پرداخت شود و اجناس را به دلار محاسبه کند؟

وزیریان

*خانم‌هایی که بدون داشتن گواهینامه، که خلاف قانون است، در سطح شهر اقدام به موتورسـواری می‌کنند اگر بر اثر تصادف، منجر به مرگ طرف مقابل شوند چه حکمی دارد؟ چرا اطلاع‌رسانی نمی‌شود؟ متأسفانه ترویج قانون‌گریزی در جامعه به یک روند عادی تبدیل شده است.

حامدی

*انتظار می‌رود وزارت کشور، بهداشت و صمت با ابلاغ بخشنامه، از خدمت‌رسانی به اشخاص هنجارشکن در امر رعایت حجاب، طبق قانون رفتار نمایند.

قاجار

* تراکتورهای ایرانی به دلیل کیفیت و قیمت، جذابیت ویژه‌ای برای مشتریان خارجی دارند که به‌روش مختلف این محصول را به دست می‌آورند. گزارش‌هایی از قاچاق هزاران تراکتور از کشـور به گوش می‌رسد. مسئولان امر با این پدیده به جد برخورد نمایند.

پورمطهری

*بازنشسته از کار افتاده تأمین اجتماعی با حقوق ماهانه ۱۶ میلیون تومان در ماه هسـتم، در آبان ماه از دهک سـه به دهک ۹ ارتقاء یافته و یارانه‌ام را قطع نموده‌اند. از مسئولان امر درخواست رسیدگی دارم.

احمد علی‌پور